

## پیرامون مصاحبه افق (دهقانپور) با اعلیحضرت

### (قسمت دوم)

امیرفیض- حقوقدان

سوال آقای دهقانپور مبنی بر اینکه ماموریت شورای ملی! بعد از نشست پاریس چیست، متضمن یک معنای خاص در سوال، و مواردی در پاسخ اعلیحضرت است.

انتخاب واژه ماموریت از طرف پرسش کننده یک امر تصادفی نیست، ماموریت واجد این معنا و مفهوم است که شورای به اصطلاح ملی!، مامور است و همانطور که ماموریت بدون مامور نمیشود بدون امر هم نمیشود. آقای دهقانپور وارد مسائل خاصه پشت پرده هم هست میداند که حقیقتا شورای به اصطلاح ملی! مامور است نه یک شورای مستقل. آقای دهقانپور اگر واژه <برنامه> را برای شورا بکار نبرده زیرا شورای ملی مستقل نیست، همانطور که شورای ملی سوریه ولیبی مستقل نبوده و نیستند. معلوم است که انسان خودش به خودش نمیتواند ماموریت بدهد و ماموریت یک کار و صفتی است که از جانب ثالث به مامور یعنی یک فرد ویایک سازمان برای انجام کارهای مورد ماموریت ارجاع میگردد.

البته اعلیحضرت حق داشتند که نسبت به انتصاب ماموریت به شورای با اصطلاح ملی، اعتراض کنند ولی استحضارات بیشتر ایشان مانع شد که ظاهر قضیه حفظ گردد و چه بسا که اگر اعتراض میشد خیلی چیزهای بیشتری از امر و مامور و روابط بد یمن آن هویدا میگردد

بهر تقدیر موردی که ملاحظه شد سندی است بر اثبات بیشتر ستون پنجم بودن شورای با اصطلاح ملی! یعنی امر آمریکا و مامور شورای به اصطلاح ملی! و ماموریت، که اهم آن تجزیه کشور است.

### شورای ملی آلترناتیو نیست

از بیانات تقریبا مفصل اعلیحضرت درباره ماموریت! شورا موارد زیر قابل برداشت است:

۱- رسالت وانگیزه شورا رساندن صدای مردم ایران به جهانیان است.

(از اعلیحضرت استدعای میهن پرستانه دارد که احترام والویت رسالت که به معنای ماموریت الهی به پیامبر و پادشاه است محفوظ و مراعی دارند، باتشکر از قبول این درخواست)



سی و چندسال است که رساندن صدای ایرانیان داخل به جهانیان، معرف مسیر مبارزه علیه جمهوری اسلامی از طرف اعلیحضرت معرفی شده است، و این قبول کردنی نیست، زیرا علاوه بر آنکه آنچه در ایران میگردد خیلی بیشتر از آنچه که ممکن است ایرانیان داخل و خارج آگاه باشند چشمان و گوشهای حساس رسانه های خارجی آگاه هستند و صدها سازمان های بین المللی در جهان با اعتبارات هنگفت وظیفه شان شناسایی اوضاع کشورها و بیشتر ایران است، برخی از شخصیت های سیاسی و مسئول کشور آمریکا نیز از جمله آقای مایکل پازتر، معاون وزیرخانه آمریکا در گفتگو با یورو نیوز رسما اعلام کرد و گفت تحریم های اقتصادی علیه ایران بامشورت برخی سران گروه های مخالف رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است، او اضافه کرده مخالفان خسته

شده اند آنها آزادی ودمکراسی میخواهند ما وقت و انرژی زیادی را در رسانه ها مصرف کرده ایم که بگوئیم پشت مردم ایران و مخالفان ایستاده ایم.

واین، حداقل این معنای معتبر است، که دیالک و گفتگوی خارجیان بویژه آمریکا با ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی وجود داشته و حتی آنقدر نزدیک و هماهنگ بوده که تحریم های اقتصادی هم به توصیه مخالفان صورت گرفته و آنها هم مانند بزرگ آخفش قبول و اجرا کرده اند.<sup>۱</sup>

## ۲- انگیزه تشکیل شورا

میفرمایند: شورای تشکیل دادیم برای ارایه دادن خواست اکثریت مردم ایران که مخالف جمهوری اسلامی هستند که یک بدیل دموکراتیک و آلترناتیو جستجو میکنند. اعلیحضرت بلافاصله اضافه میفرمایند که این شورا به هیچ عنوان به این مفهوم نیست که نمایندگی مردم را بعنوان یک آلترناتیو ارائه میکند بلکه شورائی است که هدفش یک کمپین انتخابات آزاد و رسیدن به شرانطی است که بتوان انتخابات آزاد را انجام داد و باز اضافه فرموده اند که شورا مشروعیتش را از پشتیبانی مردم جستجو میکند نه از جای دیگری.



از بیانات اعلیحضرت فهمیده نمیشود که بالاخره شورا دنبال آلترناتیو هست یا خیر؟! چرا که در اسناد و سایت شورای ملی، شورا به دنبال آلترناتیو معرفی شده است، و از طرفی در همین فرمایشات اعلیحضرت، خواست مردم، یک آلترناتیو دموکراتیک اعلام شده، که در جستجوی آن میباشند، و در قسمت آخر بیاناتشان سخن از آلترناتیو نبودن شورا است! و شورا را یک کمپین برای رسیدن به انتخابات آزاد معرفی میکنند! تصور میشود که سردرگمی از دریافت فرمایشاتشان عمومی باشد.

از طرفی مشروعیت شورای باصطلاح ملی! را در جهت تائید پشتیبانی مردم میدانند، در حالیکه خواست مردم را آلترناتیو میدانند و به این خواست مردم احترام و تائید گذاشته نشده مسئله مشروعیت شورا خیلی پادرها میگردد.

آری همانطور که اعلیحضرت فرموده اند و آمارهای منتشره حتی از سوی عوامل جمهوری اسلامی هم در تائید آن است اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران (آمارها از ۹۵ درصد مردم گفتگو دارد) مخالف جمهوری اسلامی هستند، ولی آیا در کنار این مخالفتها، موافقت با تجزیه ایران هم هست؟ مسلماً که نیست، و بطور حتم صد درصد از مردم نجیب ایران مخالف تجزیه ایران هستند.

در اینصورت شورا چگونه میتواند از مردم مخالف با جمهوری اسلامی مشروعیت بگیرد که تمامی آن مردم با تجزیه کشور مخالفند؟ آیا این به معنای آن نیست که فاصله مشروعیت از مردم با شورا بینهایت است؟

وقتی شورا در مقام آلترناتیو نیست و پایگاه و پلتفرمی برای انتخابات آزاد است، انتخابات آزاد چه ارتباطی به ماده ۱۱ و جواز تجزیه ایران پیدا میکند؟ آیا یکی از شرائط انتخابات آزاد رای پیشاپیش

<sup>۱</sup> - آنچه مسلم و مشهود و ثابت شده است، ارتباط بنیاد «نایاک» به مدیریت و همکاری دو شخص تربیتا پارسی و هوشنگ امیراحمدی که اخیراً داوطلب در شرکت در انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی هم بوده است با کاخ سفید و دیگر مقامات وزارت امور خارجه است. به تبع همین موسسه، چون خانم نازی افتخاری، که به علیحضرت و دفتر اعلیحضرت نزدیک هستند در آن سازمان «نایاک» عضویت دارند. ح-ک

به تجزیه کشور است، همانند شرکت در انتخابات شورا که شرط مهم و اولیه آن امضای منشور و اعلام رضایت با تجزیه کشور بوده است؟

در حالیکه طبق فرمایشات اعلیحضرت «شورا بهیچ عنوان نمایندگی مردم را بعنوان یک آترناتیو ارائه نمیکند» و این به معنای عدم رابطه حقوقی بین مردم و شورا است، پس شورا چه حقی دارد که مسئله تجزیه کشور را در مرامنامه اش پیاده کند؟! (اینهم قرینه دیگر که شورامستقل نیست و ماموریت او همان ماده ۱۱ منشور است)<sup>۲</sup>

اعلیحضرت در این مصاحبه و همچنین مصاحبه قبلی شان اصرار دارند که این حافظه محفوظ بماند که شورا نه نماینده مردم است و نه وکالت دارد و نه آترناتیو است. پس این شورا در کجای ارکان یک مبارزه سیاسی قرار دارد؟ خواستن انتخابات آزاد که کار سیاسی نیست. فعالیت سیاسی برای رسیدن به آترناتیو بودن و داشتن نمایندگی از حداقل گروهی از مخالفان حکومت است که کار سیاسی است.

در همین مصاحبه میفرمایند پس از انتخابات آزاد معلوم میشود که آترناتیو کیست. دقیقاً، اگر برداشت شان از سهو کلام نباشد نادرست است. آترناتیو است که در انتخابات باحکومت پنجه می افکند، آترناتیو است که جبهه های مبارزه و خواستها و رهبری رامشخص میسازد، آنهم قبل از انتخابات. بعد از انتخابات دیگر آترناتیو بودن فارغ از موضوع و موضع است و آترناتیو یا تبدیل به حکومت و اکثریت میشود و یا بصورت اقلیت پارلمانی درمیآید.

در حالیکه اعلیحضرت شورای به اصطلاح ملی! را منتزع از آترناتیو و یا نمایندگی از مردم میدانند و ازه ملی برای شورا بسیار نجسب و فکاهی مینماید! ملی به معنی مردمی و تعلق به مردم است سعی و تکرار اعلیحضرت بر جدائی شورا از مردم و فراری دادن از آترناتیو اساساً شورا راز هیئت سیاسی خارج و تبدیل به یک فعالیت شخصی تحت نام بی محتوای شورای ملی میسازد.

اصرار اعلیحضرت به جدائی شورا از آترناتیو رساگر این معناهم میشود که، آنجا که تکرار در تکرار میفرمایند؛ «جهان تا کنون با آترناتیو جمهوری اسلامی وارد مذاکره نشده است» اصرار و تکرار ایشان در هیچ کجای منطق قابل قبول قرار ندارد چراکه، در حالیکه بعقیده ایشان شورای به اصطلاح ملی! در جایگاه آترناتیو و یا نمایندگی مردم قرار ندارد، پس آترناتیوی وجود ندارد و انتظار از جهان برای گفتگو با چیزی که وجود خارجی ندارد، آیا مسخره نیست و شباهت تامه با بهانه ندارد؟

اعلیحضرت در همین مصاحبه میفرمایند؛ «مجاهدین خلق خودشان را آترناتیو میدانند و ما خیر»

همه میدانیم و اسناد مبارزه حکایت از مذاکراه و کمک و ارفاق آمریکا به مجاهدین خلق را دارد و حتی در همین مصاحبه این سوال مطرح شد که چرا شورا با مجاهدین خلق همکاری نمیکند؟! که اعلیحضرت پاسخ روشنی ندادند و این موضوع برمیگردد به اینکه انتظار و درخواست از آمریکا برای دیالک با آترناتیو جمهوری اسلامی سالها ست برقرار شده و اکنون هم بنحو روشنی هم در آمریکا و هم در اروپا در حال پیشروی بنفع مجاهدین است.

<sup>۲</sup> - به ویژه که تاکنون اقدامی در جهت تغییر و یا تصحیح منشور (مرامنامه) شورای به اصطلاح ملی رخ نداده و اثری از آن در سایت رسمی شورای یاد شده دیده نمی شود. کسانی که انتخاب شده و یا در آن شرکت داشته اند هم اعتراضی به این مورد ندارند. ح-ک

## کمپین انتخابات آزاد

در جامعه ایران هیچکس حتی شخص خامنه ای با انتخابات آزاد مخالف نیست و با وجودی که اسلام انتخابات را بطور کلی رد ساخته است، معینا همین سگهای نگهبان اسلام هم با انتخابات آزاد ابداء اعلام مخالفت نکرده اند، بنابراین **باتوجه به اینکه انتخابات آزاد به انتخاباتی گفته میشود که**

**طبق قانون، انتخابات آن کشور صورت گرفته باشد** لذا کمپین برای انتخابات آزاد در ایران کار بی قواره و بهانه است و بجای آن باید کمپین برای انتخابات غیر آزاد برگزار شود! چرا که چیزی را که همه مردم با آن موافق هستند دیگر کمپین لازم ندارد.<sup>۳</sup>

## انتخابات آزاد بهانه است

تشخیص بهانه، از ادعا، قدری مشکل است زیرا بهانه همواره پشت ادعا مخفی شده است و تا ادعا رد و یا بیهوده بودن آن آشکار نگردد شناخت بهانه آسان نیست.

در مصاحبه مورد نقد، آقای دهقانپور به اعلامیه بین المجالس که مورد استناد شورا قرار گرفته اشاره ای داشت که پاسخ اعلیحضرت زنگ بهانه بودن انتخابات آزاد را بناوخت، و آن این بود که از انتخابات آزاد مورد نظرشان انتخابات بدون شرط و قید یاد کردند.

این توضیح اعلیحضرت نشان داد که آزادی انتخابات یک بهانه است چرا که در تاریخ مشروطیت ایران و انتخابات جهان، انتخابات بدون قید و شرط وجود نداشته و ندارد! در همین مشروطیت خودمان از اولین قانون انتخابات تا اصلاح قانون انتخابات در انقلاب شاه و ملت انتخابات مشروط بوده است. و هر شرطی که بموجب قانون مقرر شده باشد محترم است و خلاف آن ادعا کردن بغیر از مجرای قانون بهانه است.

**بدلائل زیر شرط نظارت و احراز صلاحیت برای شورای نگهبان در باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی برای شورای به اصطلاح ملی! خاصه اعلیحضرت محترم و لازم الاطاعه است و خلاف آن بهانه است.**

شورای ها و شخص اعلیحضرت شورش ۵۷ را انقلابی اصیل میدانند و منتبع آن، رفراندام سال ۵۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم واجد مشروعیت میگردد، و این مشروعیت کل است که تمامی مواد قانون اساسی و تصمیمات جمهوری اسلامی را دربر گرفته است و با چنین باوری نمیتوان به اصل نظارت شورای نگهبان و یا اصل ولایت فقیه اعتراض کرد این اعتراضات اگر در مسیر قانون نباشد بهانه است.<sup>۴</sup>

در مسیر قانون بودن، یعنی درخواست اصلاح قانون اساسی به کیفیتی که همان قانون اساسی جمهوری اسلامی معین کرده صورت گیرد، در تطبیق مورد با خواست انحلال طلبی!! حضرات،

<sup>۳</sup> - در اعلامیه ای که در سایت «پارس دپلی نیوز» به امضای دبیرخانه شورای به اصطلاح ملی! در تاریخ ۱۳ مه ۲۰۱۳ منتشر شده به ماده قانون های جمهوری اسلامی اشاره شده است و از خامنه ای درخواست برگزاری انتخابات آزاد را خواستار شده است. بنابراین شعار برگزاری انتخابات آزاد که در قالب «شورای به اصطلاح ملی!» گنجانده شده چه مفهومی دارد؟؟ ح-ک  
<sup>۴</sup> - از همینروز اعلامیه یاد شده در زیر نویس بالا (۳) نشان میدهد شورایی ها جمهوری اسلامی را پذیرا هستند که در قالب قانون کدای جمهوری خواستار اجرای مفاد قانونی آن می باشند. ح-ک

مجلس حاصل از انتخابات آزاد رای به اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی را بدهد نه انحلال!!  
جمهوری اسلامی.

عقلانی بودن این کار در این است که هم بهانه شوراچی ها آرامش یافته است و هم کشور به بحران تازه ای که با انحلال جمهوری اسلامی و ایجاد جمهوری دیگری که مورد نظر شوراچی هاست روبرو نشده و از طرفی با تهدید مدیرکل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی که متوجه کسانی است که خواهان براندازی جمهوری اسلامی هستند روبرو نخواهد شد یعنی وحشتی که شوراچی ها از ترس این تهدید به واژه بی معنای انحلال طلبی چسبیده اند. و مهمتر از همه اینها به منشور و اصل ۱۱ آن هم نیازی نبوده و نیست.

حق براندازی جمهوری اسلامی از آن کسانی است که قائل به مشروعیت شورش ۵۷ وکل و جزء آثار آن نیستند و این میتواند پاسخ کسانی باشد که میگویند <چرا شورا از عبارت براندازی در مرامنامه اش استفاده نکرده است> زیرا خواست براندازی با قبول مشروعیت برای شورش ۵۷ بکل منافات دارد.

### گرایشهای فقیرانه و مایوسی کننده

در حالیکه بنا بر اظهار اعلیحضرت در همین مصاحبه، اکثریت مردم ایران خواهان آزادی و دموکراسی هستند یعنی درست در تائید خواست شورا خواهان آزادی و دموکراسی و حقوق بشر میباشند پس چرا شورا از باب گرایش مردم با این وضع حقیرانه و خفت آور روبرو شد؟

مگر اعلیحضرت بیانات خودشان را در سالهای گذشته فراموش فرموده اند که <روزانه ۲۸۰۰۰ پیام یا تماس با ایرانیان داشته اند>

پاسخ آنرا اعلیحضرت میدانند و باید در همان کلمه ماموریت که آقای دهقانپور از آن یاد کرد یافت مردم ایران میدانند که شورای به اصطلاح ملی! مامور و ستون پنجم بیگانه است و نفرت از بیگانه پرستی ایرانیان مانع استقبال از شورا است، مردم مخالف جمهوری اسلامی فراموش نکردند که در جریان سال ۸۸ آمریکا و اسرائیل مخالفان جمهوری اسلامی را سربازان خودشان معرفی کردند، و ابا این ادعا که ثبت در سجل سیاسی مبارزه است تکذیب و دفاع از شرافت مبارزه ایرانیان نشد.

### ۳- چالش اصلی

چه کارهای عملی قرار است شورا انجام دهد

پرسش دیگر مصاحبه کننده این بود که <چه کارهای عملی قرار است شورا انجام دهد>

این سوال قبلا در مصاحبه آقای بزرگمهر با اعلیحضرت مطرح شده و پاسخ کنونی ایشان باتشریح بیشتری همراه است.

میفرمایند ....

چالش اصلی در صحنه بین المللی است، و دقیقاً اینجاست در حالیکه میدانیم که جمهوری اسلامی هرگز داوطلبانه صحنه را ترک نمیکند که امکان انتخابات آزاد فراهم بشود تنهاره باقی مانده برای گذار از این نظام نافرمانی مدنی و فشار آوردن روی این رژیم است تا مرحله انحلال...

حال خواست ما از جامعه بین المللی این است که برخلاف سی و سه سال دیالگ با جمهوری اسلامی آنهم به قصد تغییر رفتار رژیم نه تغییر رژیم، حامی این خواسته و پشتیبان این خواسته هم میهنان باشند و در تعقیب سیاست تحریم اقتصادی، یک فشار بیرونی و یک حمایت از نیروهای درونی بمنظور فشار از درون میتواند طبعاً تبدیل شود به آن اهرمی که نظام را مجبور کنیم به فروپاشی.

### تفصی در خواست اعلیحضرت از جامعه جهانی

نخستین بارزه قبیح در خواست اعلیحضرت خواست سرنگونی جمهوری اسلام بوسیله جامعه جهانی است، خواست براندازی جمهوری اسلامی از جامعه جهانی آثاری دارد که با خواست تغییر رفتار نظام منافی است، خواست تغییر رفتار نظام یک تلاش قانونی و حقوقی است که از منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر جواز دارد. ولی درخواست تغییر رژیم از جامعه جهانی، و یا کشورها دعوت به مداخله در امور کشور و سلب حق حاکمیت از مردم و تفویض آن به کشور مداخله کننده است. و نه تنها چنین درخواستی مشروع و قانونی نیست بلکه جرم و اتهام است و قبح آن در حدی است که کمتر شخصیتی حاضر میشود به آن قبح آلوده شود.

**وانگهی نظامی را که بیگانه سرنگون کند و نظامی جای آنرا بگیرد کجایش مشروعیت و از حیثیت**

**و شرافت ملی برخوردار است؟**

وقتی میهن پرستان ایرانی فریاد میکنند که برنامه شورای به اصطلاح ملی! الگوی عراق و سوریه برای ایران است این قبیل فرمایشات، سند اثبات و حقانیت نگرانیهای آنهاست.

خواست اعلیحضرت دقیقاً مورد توجه آمریکا هم هست، روزنامه لیبراسیون مقاله ای بقلم آقای برنارد گتا تحت عنوان «جنگ آمریکا میتواند بزودی شروع شود» داشته که کیهان لندن آنرا منعکس ساخته؛ برنارد گتا در آخرین قسمت از مقاله اش نوشته؛ «در چنین شرایطی (یعنی حمله آمریکا) فرصتی تاریخی برای مردم ایران آماده خواهد شد که دیواره های ترس بسرعت فرو ریخته و مردم ایران در موقعیتی قرار خواهند گرفت که حاکمان را بزیربکشند» کیهان لندن ۱۴۵۱ اردیبهشت ۹۲

درست برنامه و خواست و انتظار اعلیحضرت و درست آنچه که در عراق روی داد. یعنی با حمله آمریکا، ستون پنجم آمریکا به سردستگی احمد چلپی عراق را بروز سیاه نشانید.

**خواست و در خواست مکرر اعلیحضرت به حمایت خارجی از نیروهای درون ایران در کنار فشار**

**کشورهای خارجی چه معنا و اثر اجرائی دارد؟ آیا در حالیکه الگوی عراق را می بینیم باز هم بحث و نقد لازم دارد و در این صورت کدام اعتباری برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی باقی میگذارد؟**

پاسخ معلوم این پرسش را آقای ریچارد فونتنین مشاور جان مک کین چنین میدهد:

«هرگونه کمک بیش از حد آمریکا میتواند معترضان تهران را بی اعتبار ساخته و سبب میشود که دولت ایران آنها را عوامل بیگانه توصیف کند» (وال استریت جورنال)

### دومین بارزه - درخواست فشار از بیگانه است

درخواست فشار به ایران از سوی بیگانه یعنی چه؟ و فشاریک کشور به کشور دیگر به چه عملیات و اقداماتی منجر میشود؟

فراموش نکنید که درخواست اعلیحضرت از جامعه بین المللی (بخوانید آمریکا) این است که در تعقیب تحریم ها فشار از بیرون و از درون راهم بیاورند. فشار دولت آمریکا بعد از تحریم های سلسله ای که بنا بر در خواست، گروهی از مخالفان جمهوری اسلامی و باتانید اعلیحضرت صورت گرفت جنگ است، لاغیر.

فشار از درون با حمایت آمریکا چه مفهوم اجرایی دارد جز نقشی که ستون پنجم آمریکا یعنی شورای به اصطلاح ملی عهده دار خواهد بود، بضمیمه مجاهدین خلق که هم اکنون در سوریه مشغولند؟

در این جریان که تجسم آن بمناسبت تجربیات و ملاحظات عراق بسیار ساده است، دیگر توسل به نافرمانی مدنی چه صیغه ای است؟! آیا اجازه هست که بازی نافرمانی مدنی را پرده ای برای تصور عدم توجه مسئولیتهای ناشیه از خواستهای اعلیحضرت از بیگانگان دانسته شود؟

#### ۴- حمایت نه نظارت

مصاحبه کننده از حد نظارت بر انتخابات آزاد مورد نظر اعلیحضرت سوال میکند اعلیحضرت میفرماید:

باید از حد نظارت بالاتر برویم بلکه بحمايت نیاز است بدون یک حمایت مشخص و آزاد کشورهای خارجی از مبارزین، مبارزه به نتیجه نخواهد رسید.

فراموش نکنیم که این فرمایشات اعلیحضرت در نقش سخنگونی شورای به اصطلاح ملی است.

حمایت بیگانه از انتخابات هیچ معنایی جز دخالت بیگانه در امر انتخابات ندارد و ربط دادن مبارزه و نتیجه آن حتی انتخابات آزاد به حمایت بیگانه دیگر نور علی نور و امری کاملاً بیسابقه است و به سادگی پرده اعتباری انتخابات آزاد را میدرد و بهانه بودن آنرا برملاء میسازد.

(پایام قسمت دوم)